

**موقعیت استراتژیک نیجر**

کشور نیجر با ۱٫۲ میلیون کیلومترمربع مساحت، پهناورترین کشور در منطقه غرب آفریقااست که ۴۴ میلیون نفر جمعیت با اکثریت مسلمان دارد. نیجر از شمال به الجزایر و لیبی، از شرق به چاد، از جنوب به نیجریه و بنین و از غرب به بوریکنافاسو و مالی محدود می‌شود و قافز مرز دریایی است. برخورداری از منابع سرشار طبیعی به‌ویژه اورانیوم، الماس، طلا و زغال سنگ از دیگر ویژگی‌های این کشور است که آن را برای استعمارگران قدیم و جدید جذاب کرده است. نیجر هر چند یکی از فقیرترین کشورهای جهان است اما از بزرگ‌ترین ذخایر اورانیوم نیز برخوردار است. این کشور تا سال ۱۹۶۰ مستعمره فرانسه بود و در این سال استقلال خود را از این کشور اعلام کرد، فقر شدید دامن نیجر را که حدود یک قرن زیر استعمار فرانسه بود، گرفته است و این کشور در حال حاضر در میان ۱۸۹ کشور از نظر شاخص‌های توسعه انسانی، آخرین کشور است. هم‌اکنون بیش از نیمی از مردم نیجر زیر خط فقر هستند و حدود نیمی از کودکان در سن تحصیلی نیز به طور منظم به مدرسه نمی‌روند.سازمان ملل اخیرا اعلام کرده است که حدود ۴ میلیون نفر از مردم نیجر نیازمند کمک‌های بشردوستانه هستند. قرار گرفتن این کشور در کمربند گروه‌های مسلح تروریستی از قبیل بوکوحرام، القاعده و شاخه‌های این دو گروه و سایر گروه‌های مسلح فعال در ساحل آفریقا نیز بر ابعاد امنیتی و تبعات سیاسی آن بر اوضاع این کشور افزوده است.

**بسترها وزمین‌های کودتای نیجر**

آفریقا از سرزمین کودتاها نامیده‌اند در این قاره تقریباً کشوری را نمی‌توان یافت که در آن نظامیان دست به کودتا نزده باشند. در کودتایی دیگر رسانه‌ها در آخرین ساعات روز چهارشنبه چهارم مردادماه اعلام کردند که نظامیان در کشور نیجر در غرب آفریقا دست‌به کودتا زده‌اند. گارد ریاست جمهوری نیجر، از طریق شبکه تلویزیون ملی این کشور، رسماً اعلام کودتا کرد و از انحلال پارلمان و دولت و تعلیق قانون اساسی این کشور خبر داد. گروهی از فرماندهان نظامی کشور نیجر، که خود را «شورای ملی حفاظت از میهن» می‌نامند، اعلام کرد که در واکنش به تداوم تنش مستمر اوضاع امنیتی در نیجر و همچنین وضعیت بد اقتصادی و اجتماعی دست به کودتا زده‌است.

به نوشته خبرگزاری آناطولی، سهرنگ «امادو عبدالرحمن» که همراه ۹ افسر دیگر طی یک سخنرانی در تلویزیون ملی ضمن هشدار درباره هرگونه مداخله خارجی، اعلام کرد که «محمد بازوم»، رئیس‌جمهور این کشور برکنار شده و پارلمان منحل شده و قانون اساسی به دلیل بدتر شدن وضعیت امنیتی و بحران اجتماعی و اقتصادی کشور، تعلیق می‌شود. ارتش نیجر نیز ضمن اعلام منع تردد سراسری از بسته شدن تمام مرزها خبر داد. تلویزیون نیجر همچنین گزارش داد: ژنرال «عبدالرحمن چانی» رئیس شورای انتقالی این کشور شده است. کودتاگران نیجر باعداد پنج‌شنبه پنجم مرداد نیز با انتشار بیانیهای از ممنوعیت فعالیت احزاب سیاسی در این کشور تا اطلاع ثانوی را اعلام کردند. کودتاچیان همچنین به فرانسه نسبت به مداخله در امور داخلی این کشور هشدار دادند. آنها تأکید کردند که با وجود بسته شدن مرزهای زمینی و هوایی یک فروند هواپیمای نظامی فرانسوی در فرودگاه بین‌المللی این کشور فرود آمده است.

نکته مهم در تحولات پساکودتای نیجر همراهی مردم این کشور با کودتاگران است. طی روزهای بعد از کودتا بارها مردم این کشور با برپایی تظاهرات در مقابل سفارت فرانسه و به آتش کشیدن پرچم این کشور حمایت خود را از کودتاگران اعلام کردند.شاید بتوان چرایی این حمایت را در زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری کودتا جستجو کرد. شبکه المیادین در گزارش از زمینه‌ها و بسترهای منتهی به کودتا در نیجر می‌نویسد: «بروز کودتا در نیجر، توجهات را به کاهش نفوذ فرانسه و آمریکا در این کشور جلب کرد. است، به ویژه آنکه محمد بازوم، مهم‌ترین سیاستمدار وابسته به فرانسه در ساحل آفریقا به شمار می‌رود. این سومین تلاش برای کودتا در نیجر از سال ۲۰۲۱ است که یکی قبل و دیگری بعد از به قدرت رسیدن بازوم بوده است و هفتمین کودتا در منطقه آفریقای غربی و مرکزی از سال ۲۰۲۰ تاکنون است. از سوی دیگر، توجه به این نکته می‌تواند مفید باشد که به قدرت رسیدن بازوم، به مذاق گروه‌های نژادی در نیجر که خود را آفریقایی‌الاحل و بازوم را فرزند قبایل عرب و بعد اسکان شده در این مناطق می‌دانند، خوش نیامده بود. مخالفان بازوم همچنین وی را متهم کرده‌اند که او به نقشه راهی که با سلف خود درباره کودتا کشاکش کرده توافق کرده بود، پایبند نماند و حتی سعی کرد از نفوذ رئیس‌جمهور سابق در دستگاه‌های حکومتی بکاهد و به این منظور دنبال تغییراتی در ارتش و سایر نهادهی مهم بود و همین امر رقابتی وی را نگران کرد. از سبوی دیگر باید به وجود اختلافات و رقابت‌های نژادی و قبیله‌ای نیز اشاره کرد زیرا بازوم در واقع نماینده اقلیت عرب نژاد نیجر است که حدود ۱۵ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند و همین امر برای قبایل غیر عرب گران آمده است. این دهواها به حدی بالا گرفته بود که حتی بازوم متهم شد که هویت نیجری خود را جعل کرده و همچنین برای پیروزی درانتخابات دست به تقلب گسترده زده است.»

بر اساس این گزارش عامل دیگر در مخالفت با بازوم در نیجر، افزایش مخالفت‌ها در این کشور با فاکتان دوباره در دامن فرانسه بود چرا که وی بعد از به قدرت رسیدن اقدام به تثبیت و تحکیم انتلاتات با کشورهای غربی کرده بود.به سبب ساله‌ها، بازوم همچنین ارتباطات دینی با نیروهای پیشبشبتیان سریع در سودان و شخص «محمد حمان دقلو» فرمانده ایسن نیروها دارد و در حالی که از کمک‌های مالی دقلو در تبلیغات انتخاباتی خود استفاده کرد و او را به مراسم تحلیف ریاست جمهوری خود دعوت کرد، ارتباطی با ارتش سودان ندارد و حتی عبدالفتاح البرهان فرمانده ارتش سودان را به این مراسم دعوت نکرد. نیجر روابط خارجی آمریکا نیز درباره زمینه‌های کودتا می‌نویسد: «پنج کودتای موفق علیه دولت شرایط سیاسی نیجر را از سال استقلال ۱۹۶۰ به بعد نارام کرده است. رتس‌جمهور بازوم در سال ۲۰۲۱مسالمت‌آمیز به قدرت رسید اما گفته می‌شود وی در روزهای آخر حضور در کاخ ریاست جمهوری به دنبال تغییرات گسترده در ارتش این کشور بود. به اعتقاد کارشناسان نرخ فقر شدید بیش از ۴۰ درصدی، خشکسالی ناشی از تغییرات آب و هوایی و وضع بد کشاورزی در کانت‌پریدیهی از هرچ و مرج در لیبی، این کشور را بی‌ثبات کرده است.»

**دلایل اهمیت نیجر برای فرانسه و آمریکا**

کارشناسان دلیل متعددی را برای نگرانی این کشور و فرانسه از تحولات پیش می‌کنند. آفریقاییان خود از نوشته است: «به نظر می‌رسد که فرانسه و آمریکا نگران استفاده روسیه از این فرصت برای تعمیق نفوذ خود در قاره آفریقا هستند و همچنین افزایش مهاجرت‌های غیرقانونی به غرب بیم دارند. فرانسه با محکوم کردن شدیدالحن هرگونه تلاشی برای گرفتن قدرت با استفاده از زور در نیجر، در واقع نگران آن است که مهم‌ترین همپیمان خود در منطقه ساحل آفریقا را از دست بدهد و نیجر بعد از مالی و بوریکنافاسو سومین کشوری در این منطقه باشد

## دریچه‌ای به جهان khareji@kayhan.ir

اشاره

**کشور نیجر ۴ مرداد گذشته شاهد کودتای جدیدی بود که غرب آفریقا را طی این مدت به شدت از خود متاثر کرده است؛ جامعه کشورهای غرب آفریقا موسوم به «آکواس» که نیجر نیز جزو آن است تهدید کرده‌است در صورت عدم آزادی «محمد بازوم» رئیس‌جمهور سابق و عدم بازگشت وی به قدرت به این کشور حمله خواهد کرد. تهدیدی که فرانسه نیز به شدت از آن حمایت می‌کند. از سوی دیگر «مالی» و «بورکینافاسو» همسایگان نیجر که در «آکواس» نیز حضور دارند تهدید کرده‌اند حمله به نیجر را حمله به خود تلقی می‌کنند. الجزایر همسایه شمالی نیجر نیز با حمله مخالفان است و آسمان خود را بر روی جنگنده‌های فرانسوی برای عبور از این کشور و حمله به نیجر بسته اعلام کرده است. مذاکرات فرستادگان آکواس با شورای نظامی نیجر نیز شکست خورده است. حمله نظامی به نیجر به نظر محتمل و قریب‌الوقوع به نظر می‌رسد همه چیز طی روزهای آتی مشخص خواهد شد. حتی اگر حمله‌ای صورت نگیرد بسیار بعید است که فرانسه و آمریکا اجازه بدهند منافع حیاتی‌شان در نیجر از بین برود. در گزارش پیش رو نگاهی می‌انداзіم به کودتای نیجر، موقعیت ژئوپلیتیک آن و دلایل اهمیت این کشور برای فرانسه و آمریکا**

سرویس خارجی کیهان

**دومینوی استعمارزدایی در غرب آفریقا**

# چرا فرانسه و آمریکا نگران تحولات نیجر هستند؟



چنین کاری «به عنوان استعمارگری تعبیر می‌شود» و «ما نمی‌توانیم در سیاست فرانس‌آفریک (شاره به روابط نزدیک برای اتصال داری اهمیت استراتژیک است و شرکت هستم‌ای دولتی فرانسوی ارائه ۱۵ درصد اورانیوم خود را از معادن نیجر برای مجموعه گسترده راکتورهای هستم‌ای فرانسه استخراج می‌کنند-ان هرو، ج‌رکل، مدیر پروژه فرانسه ساحل در گروه بحران بین‌الملل نیجر، بحران نیجر نشانه‌ای است از اینکه زمان حضور قدرتمند نظامی فرانسه در منطقه ساحل در آفریقا به پایان رسیده است. اکنون فرانسه با علامت سؤال درباره آینده‌اش در غرب آفریقا مواجه است.

از سوی دیگر در روزهای اخیر سه ساتور راستگرای فرانسوی با حمایت ۹۶ نماینده پارلمان که به احزاب مختلف تعلق داشتند، سیاست‌های رئیس‌جمهور این سوی شرکت پژوهش‌های ژئوپولیک فرانسوئیل در فرانسه آغاز کرد. لازم به ذکر است که کشور فرانسه از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۶۰ نیجر را تحت اشغال خود داشت. در سال ۱۹۶۷ نیجر ۲ هزار و ۲۴۸ تن از ماده اورانیوم را استخراج کرد. این ماده در نزدیکی ۷۰۰۰ منطقه معدنی اریث و کوکان نیروها و شرکت‌هایش زدند و امروز نوبت نیجر است.» به گفته آنها، «حسابات ضد فرانسوی حتی به کشورهای که به نزدیک بودن به ما مشهورند، همچون ساحل عاج یا سنگال سرایت کرده است.» علاوه‌بر آن، فرانسه در دوره اقتصادی و هم از جنبه نفوذ سیاسی به سقوط آزاد گرفتار

## برخورداری از منابع سرشار طبیعی به‌ویژه اورانیوم، الماس، طلا و زغال‌سنگ نیجر را برای استعمارگران قدیم و جدید جذاب کرده است.



**فرانسه با محکوم کردن شدیدالحن کودتای نیجر نگران آن است که مهم‌ترین همپیمان خود در منطقه غرب آفریقا را از دست بدهد و نیجر بعد از مالی و بوریکنافاسو سومین کشوری در این منطقه باشد که از اردوگاه نزدیک به فرانسه جدا شده و به سمت اردوگاه روسیه می‌رود.**

**۷۰ درصد از برق تولیدی فرانسه را نیروگاه‌هایی تولید می‌کنند که از اورانیوم وارد شده از نیجر به عنوان سوخت استفاده می‌کنند و فرانسه ۳۵ درصد از نیاز خود به اورانیوم را از نیجر تأمین می‌کند**

۱۱

هم‌زمان با الجزایر و مراکش نیز بود و روابط آن با تونس نیز سرده است.آنها در نامه خود از ماکرون پرسیدند: «آیا زمان آن نرسیده که دیدگاه‌ها درباره آفریقا و روابط آن را قاره با فرانسه را با یک شروع مجدد همراه کنیم؟ احتمالاً

دیگر که زمانی قاره دوست با ما به شمار می‌رفت، حالا در قاره‌ها روستاها را نمی‌فهمد و هر چه بیشتر نقش و حضور آن به چالش می‌خورد. از سوی دیگر منابع دیپلماتیک نسبت به ایجاد اثر دومینوی بالقوه باقی ماندن همیشگی حاکمیت نظامی نیجر در قدرت در سایر کشورهای آفریقایی هشدار داده‌اند. رسانه‌های فرانسوی با استناد به اطلاعات درز کرده گزارش دادند نهاد اطلاعاتی فرانسه واقعاً به ماکرون درباره قرب‌الوقوع بودن یک کودتا قبل اطلاع داده بود که او اعزام نیروهای ویژه برای محافظت از بازوم را رد کرد. استدلال ماکرون برای این مخالفتش این بوده که

صفحه ۸

**پنج‌شنبه ۹ شهریور ۱۴۰۲**

**۱۴ صفر ۱۴۴۵ – شماره ۲۳۳۸۶**

در همان روز جمع زیادی از مردم در میدان استقلال در پایتخت نیامی حمایت خود را از کودتای بدون خونریزی اخیر اعلام کردند.دولت‌های آفریقایی و شرکای غربی آنها از وقایع اخیر نیجر شگفت‌زده شدند. هنوز کاخ الیزه در شکو قرار دارد زیرا کودتا در ادامه روند تحولات قبلی و مالی و بورکینافاسو رخ داد. در همین راستا برخی دولت‌های آفریقایی به پشتوانه قدرت‌های غرب به تهدید کودتاچیان می‌پردازند و بر لزوم بازگشت اوضاع به حالت عادی و سخن می‌گویند»

بر اساس این گزارش این حساسیت ویژه دلایل متعددی دارد که شاید مهم‌ترین آن هراس جدی از خروج گروه پنج کشور منطقه ساحل آفریقا از گردونه نفوذ غرب باشد. به باور کارشناس شورای اتلانتیک از ۵ کشور این گروه چهار مورد توسط چاهین حکومت نظامی امریکایی می‌شوند؛ بوریکنافاسو، نیجر، مالی و چاد به تازگی انتقال غیرمموکراتیک قدرت را تجربه کردند و تنها موزمبانی باقی مانده است. نیجر پنجمین کشور در غرب آفریقااست که در سه سال گذشته شاهد وقوع کودتا بود. شورای اتلانتیک تصریح دارد: تحول فوق و کودتاهای سال‌های اخیر در آفریقای غربی، نشان می‌دهد تغییرات ژئوپلیتیکی قابل توجهی از عقب‌نشینی فرانسه تا تلاش روسیه برای ایجاد فرصت و احساس نیاز دولت‌های غرب آفریقا به حمایت بهتر از سوی متحدانشان در جریان است.اگرچه آفریقایی‌ها به صراحت نمی‌خواهند فرانسه یا دیگر شرکای غربی را از کشورهایانی بیرون کنند اما آنها به دنبال مشارکت جدید بر مبنای مطلوب‌تر توام با برابری هستند.

این اتاق فکر آمریکایی نیز از این امر نگران است که روسیه به سرعت از دولت‌های جدید در کشورهای تحت رهبری خود حمایت کند و نقش خود را تا مسطع یک شریک مهم برای این کشورها ارتقا دهد. مسکو مصمم است ثابت کند که پس از جنگ اوکراین منزوی نیست، بنابراین سعی می‌کند از آفریقا برای دور زدن تحریم‌های اقتصادی خود استفاده کند. این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که آمریکا برای حمایت از اوکراین و همچنین حفاظت از منافع استراتژیک خود، در اروپا تمرکز دارد.

پایگاه خبری- تحلیلی «هشنال اینترنست» هم در گزارشی به‌اشعاره به وقوع کودتای نیجر و خلع «محمد بازوم»، رئیس‌جمهور این کشور، به طور خاص این رویداد را ضربه‌ای سنگین به منافع امنیتی و راهبردی آمریکا در منطقه غرب آفریقا ارزیابی کرده است. نشان اینترست تأکید دارد که کودتای نیجر، عملاً نظام مطوب آمریکا در غرب آفریقا را خدشه‌دار کرده است. مسئله‌ای که از چشم‌اندازی کلان، بنیان‌های جایگاه هژمونیک منصور آمریکا در عرصه بین‌المللی را نیز بیش از پیش خدش می‌کند.

نشنال اینترست در گزارش خود می‌نویسد: «چرا وقوع کودتا در یکی از فقیرترین کشورهای جهان باید به دغدغه‌ای جدی برای ایالات متحده آمریکا تبدیل شود؟ کودتای اخیر در نیجر را بایستی در ادامه وقوع مسئله‌ای از کودتاها در کشورهای آفریقایی دانست که عملاً سبب افزایش بی‌ثباتی در قاره آفریقا و توسعه فعالیت‌های گروه‌های افراط‌را شده است. از سال ۲۰۲۰، قاره آفریقا شاهد وقوع هفت کودتای نظامی در کشورهای مالی، بوریکنافاسو، گینه، چاد، و سودان بوده است. در بسیاری از موارد، رهبران ارشد نظامی نیز لزوماً کودتاها و رندهای تغییر در نظام‌های سیاسی موجود را رهبری نکردند. در عوض، نظامیانی که مسئول مدیریت نیروهای گارد ریاست جمهوری و با نیروهای ویژه را داشته‌اند، اقدام به کودتا کرده‌اند.افرادای که رتبه نظامی آنها چندان هم بالا نبوده است، جالب اینکه حداقل در ۵ مورد از ۷ کودتای اخیر در قاره آفریقا، رهبران کودتا، دوره‌های نظامی خود را در ایالات متحده آمریکا طی کرده‌اند»

این گزارش می‌افزاید: «اگرچه موج قابل توجه وقوع کودتا در کشورهای آفریقایی نگران‌کننده است، اما این بحال، کودتای اخیر در نیجر به طور خاص با نگرانی‌های جدی‌تری همراه است. نیجر حمله کشورهای در منطقه غرب آفریقا بود که تا حد زیادی خود را از فضای تنش و کودتا دور نگه داشته بود و یک دموکراسی نسبتاً متوسط و در این‌سن منطقه نمایندگی می‌کرد. بازوم رئیس‌جمهور نیجر از زمان حضور در قدرت یکی از قابل اعتمادترین شرکای آمریکا در منطقه غرب آفریقا بود و از تعمیق روابط با رقبای بین‌المللی آمریکا به نگران حداقل در ۱۵۰ میلیون دلار را نیز به وی ارائه کرده.»

نشال اینترست می‌افزاید: با حذف محمد بازوم از قدرت، وضعیت روابط نیجر با غرب نیز تا حد زیادی به خطر افتاده است. مسئله‌ای که نگرانی‌های جدی را در پایتخت‌های غربی ایجاد کرده است. از منظر نظامی، نیجر در دوره محمد بازوم همکاری‌های زیادی را با غرب انجام داده است. در حال حاضر، ۱۰۰۰ پرسنل خدماتی نظامی-آمریکایی و همچنین ۱۵۰۰ نیروی نظامی فرانسوی در نیجر حضور دارند. بسیاری از آنها پس از عقب‌نشینی از دیگر کشورهای آفریقایی به نیجر منتقل شده‌اند. کشورهای که پیوندهای امنیتی خود با کشورهای غربی را قطع کرده‌اند، اضافه بر این،ها با یکدیگر با یکدیگر نظامی‌اش در نیجر برای عملیاتی کردن پرواز پهپادهایش در منطقه غرب آفریقا نیز استفاده می‌کرد. اگرچه هنوز سرشنست نیروهای آمریکایی و فرانسوی مستقر در نیجر مشخص نیست اما این حال، اینکه رهبر را از رادر و حوزه نفوذ امنیتی خود خارج ببینند، ضربه‌ای سنگین از حیث امنیتی و اطلاعاتی به کشورهای غربی است. کودتای نیجر از آن جهت از اهمیت برخوردار است و موجب اشتفگی رهبران آمریکا شده که عملاً نشان داد محاسبات امنیتی آمریکا در منطقه غرب آفریقا تا چه حد دست و بی‌پایه هستند.» نشنال اینترست می‌افزاید: «با این حال، شاید نگران‌کننده‌ترین نتیجه و بروندان کودتای اخیر در نیجر، قدرت‌ریزایی رقابتی بین‌المللی آمریکا در قاره آفریقا خواهد بود. در این زمینه، غرب به شدت در مورد افزایش نفوذ روسیه در مشترک‌المنافع آفریقایی و روسیه در سن‌پترزبورگ مسئله‌ای که بیش از پیش موجب نگرانی غرب می‌شود.»

منابع

–«خبر یا رستاخیز آفریقایی»، (ایرنا، ۲۴ مرداد ۱۴۰۲)
–«راس غرب از افزایش نفوذ روسیه در آفریقا»، (ایرنا، ۱۸ مرداد ۱۴۰۲)
–«فرانسه با خطر محو شدن از صحنه آفریقا مواجه است»، (۲۳ مرداد ۱۴۰۲)
–«لاامنه پنهان کودتای نیجر» (ایرنا، ۸ مرداد ۱۴۰۲)
–«ظلم نبود چاهی، زمینه‌ساز تحولات نیجر»، (ایسنا، ۲۲ مرداد ۱۴۰۲)
–بحران که آمریکا و فرانسه در نیجر ساختند، دامن‌شان را گرفته است»، (ایسنا، ۲۰ مرداد ۱۴۰۲)
–«صل وقوع بحران در نیجر»،(خبرگزاری مهر، ۵ مرداد ۱۴۰۲)
–چرا فرانسه نگران از دست دادن نفوذ خود در نیجر است»، (خبرگزاری مهر، ۱۰ مرداد ۱۴۰۲)

نفر آنها رئیس دولت بودند با استفاده از این عنوان برای جابه‌جایی مسالمت‌آمیز قدرت در این کشور، تأکید کرد که آفریقا نیاز به رهبرانی دارد که «دیگر به هر سازی که امپریالیست‌ها می‌زنند ترقه‌مند».

«اورانتیو واسابولو» اقتصاددان برجسته ایتالیایی نیز در مصاحبه با نشریه «فارودیرما» کشورش گفت: «نہ‌ها آن را کودتا نامیدند، اما من می‌گویم که این فقط بازپس‌گیری حاکمیت توسط ملتی بود که یک دولت عروسی را که توسط ماکرون خواسته بود سرنگون کردند.» وی حتی از این جنبش اجتماعی به عنوان «غاز یک فرایند برگشت‌ناپذیر» در نوار ساحل آفریقا شامل سودان، چاد، نیجر، بوریکنافاسو، مالی و موزمبانی، یاد کرد و گفت: «همان‌طور که تراشوره به حق گفته است، ازوما با خشن‌ترین و خشن‌ناپذیرترین اشکال استعمار و امپریالیسم در آفریقا روبرو هستیم، درست همان‌گونه که در اروپا، نبردی بین جنبش تک‌قطبی و جهان چندقطبی جریان یافته و ادامه دارد که ریشه در جنگ اوکراین-روسیه دارد.» رئیس‌جمهور بوریکنافاسو همچنین گفته بود: «مروزه یکی از مشکلات قاره آفریقا وضعیت صاحب‌منصبان آن است که نه تنها به رشد مردم خود کمک نمی‌کنند، بلکه امپریالیسم همخوانی داشته، به عنوان «ایستگان» شرکت‌های نفتی یا پیمانکاران معدنی و دولت‌های کشورهای استعمارگر جدید رفتار می‌کنند و مجربان بی‌چیره و مواجب اروپاییان هستند که با نقض حقوق اولیه انسانی مافع تحقق‌خواست تاریخی ملت‌هایشان برای رهایی هستند، در واقع رهبران نیجر نیز به عنوان زائد‌امر اتحادیه اروپا در این زمینه عمل می‌کنند»

کارشناسان می‌گویند بسیار بعید است که غرب از منافع خود در نیجر چشم‌پوشی کند.» «بدا لیاورمی» کارشناس ارشد اندیشکده مرکز سیاست جنوب جدید مستقر در رباط پایتخت مغرب در این‌باره به خبرگزاری الجزیره قطر گفت: «احتمالاً کشورهای غربی منظر خواهند بود تا ببینند چه اتفاقی می‌افتد و چه کسی کنترل شرایط را در دست خواهد گرفت- چه رهبران کودتا و چه محمد بازوم با استعقرار مجدد به عنوان رئیس‌جمهوری، اقدام جدیدی را به پهنه مبارزه با تروریسم اما به نفع منافع تاریخی خود رقم بزنند.»

**اندیشکده‌های غربی چه می‌گویند؟**

نگرانی از افول غرب در آفریقا افزایش نفوذ روسیه در این‌قاره در تحلیل‌های اندیشکده‌های غربی نیز به خوبی خود را نشان می‌دهد. تظاهرات ضد فرانسوی در نیجر با پرچم‌های روسیه به درستی این نگرانی را ثابت می‌کند.«شورای روابط خارجی» آمریکا در گزارشی تصریح دارد کودتا در نیجر که زمانی شالوده‌تلاش‌های ضد تروریسم ایالات متحده در غرب آفریقا را تشکیل می‌داد و

تهدید را به همراه خود دارد، نخست افزایش سطح بی‌ثباتی منطقه‌ای و مورد مهم‌تر خطر نفوذ بیشتر روسیه، شورای روابط خارجی در زمینه پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی کودتا در نیجر آورده است: «فاخران نگران هستند که روند رو به رشد حکومت نظامیان در کشورهای منطقه به تشدید بی‌ثباتی منطقه‌ای و تضعیف تلاش‌ها در مبارزه با گروه‌های افراطی منجر شود و به طور بالقوه باعث آوارگی بیشتر مردم خواهد شد و درحقیقت، برای نفوذ بیشتر روسیه در آفریقا،بازی می‌کند اکنون کشورهای غربی مدعی هستند کنار گذاشته شدن آنها از سوی حکومت‌های تازه، مبارزه با گروه‌های شورشی را تضعیف می‌کند و خشونت‌ها را افزایش می‌دهد.»

ایسن اتاق فکر آمریکایی، تحولات آفریقا را فرصتی برای روسیه می‌داند تا به سرعت خلا ایجاد شده را پر کند و خود را به عنوان یک شریک کلیدی در منطقه در ادعای اندیشکده فوق، حتی ممکن است مسکو مزدوران گروه واگنر را که در مالی و دیگر مناطق آفریقا مستقر شده‌اند به نیجر بیاورد. تا قبل از این دولت بازوم رویکرد



**کودتای نیجر با موجی از انتقادات در غرب مواجه شد، نخست به این دلیل که رئیس‌جمهور کنار زده شده، یکی از قوی‌ترین متحدان کشورهای غربی به حساب می‌آید، دوم این‌که نیجر یکی از مهم‌ترین مراکز استقرار پایگاه‌های نظامی کشورهای غربی است؛ به گونه‌ای که فرانسه ۴ پایگاه، آمریکا یک پایگاه به‌علاوه حضور گسترده امنیتی در این کشور دارد.**

**«اورانتیو واسابولو» اقتصاددان ایتالیایی: آنها تحولات نیجر را کودتا نامیدند، اما من می‌گویم که این فقط بازپس‌گیری حاکمیت توسط ملتی بود که یک دولت عروسی‌کی را که توسط ماکرون خواسته شده بود سرنگون کردند.**



مشتی به روسیه نداشت اما کارشناسان می‌گویند شاید حکومت لیاورمی آینده دیدگاه متفاوتی داشته باشد. نکته مهم برای دولت‌های غربی آن است که نیجر به عنوان دومین تولیدکننده بزرگ اورانیوم در آفریقا، متحد جدایی برای روسیه خواهد بود زیرا کاخ کرملین مترصد نفوذ در کشورهای غنی از منابع این قاره است. اندیشکده «شورای اتلانتیک» نیز در مورد تأثیر کودتای نیجر بر رقابت ژئوپلیتیک غرب در آفریقا آورده است: «تقریباً همزمان با سالگرد استقلال نیجر از فرانسه در سال ۱۹۶۰ کودتایی در این کشور به وقوع پیوست و